

زنده باد حاکمیت مردم
زنده باد مقاومت در برابر کودتا
مرگ بر دیکتاتوری

روزنامه

خیابان

شماره ۱-۲۹ خرداد ۱۳۸۸

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما
به این آدرس بفرستید
xyaban@gmail.com
برای اشتراک روزانه به این آدرس الکترونیکی
تماس بگیرید
khyaboon@gmail.com

به منظور حذف تأثیر دانشجویان بر تحولات جاری دستور تعطیلی خوابگاه های دانشجویی صادر شد

صدها هزار نفر در تهران از توپخانه تا هفت تیر راهپیمایی کردند

در شهرستان ها خسونت کودتاگران بیداد می کند

تعطیلی دانشگاه ها، توطئه جدید

پنج شنبه به نقل از مسئولین دانشگاه ها اعلام شد که خوابگاه های بسیاری از دانشگاه های کشور به منظور آنچه حفاظت دانشجویان از حمله نیروهای لباس شخصی خوانده می شود در حال تعطیلی است. شگفتی اینجاست که حملات گارد ویژه و بسیجی ها به دانشگاه ها تعطیل نمی شود بلکه این خوابگاه های دانشجویی است که به منظور «حفاظت دانشجویان» تعطیل می شود. از اولین روز کودتا دانشجویان مهمترین هدف حمله وحشیان نیروهای نظامی و امنیتی دولت کودتایی بوده اند. حداقل پنج دانشجو در تهران، دو دانشجو در اصفهان، و حداقل یک دانشجو در شیراز در حملات کودتاچیان و نیروهای مسلح تحت فرمان آنها به خوابگاه های دانشجویی جان باخته اند. بازداشت ۱۵۰ دانشجو فقط در یک نوبت در دانشگاه بابل، ربودن و بازداشت بیش از ۳۰۰ دانشجو در کوی دانشگاه تهران و حملات مکرر در شهرهای اصفهان، تبریز، زاهدان، مشهد، ارومیه و دیگر شهرهای ایران به دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی نشان آشکاری است از دشمنی خونبار نیروهای کودتاچی با دانشگاه و خانه علم و آگاهی جامعه. اما تعطیلی خوابگاه های دانشجویی که با استدلالات از سر دلسوزی و با عنایت رهبری اصلاح طلبان انجام می شود نشانگر توافقی آشکار مبنی بر انحلال مراکز تجمع و همفکری و هممنظری دانشجویان در مقابله با موج های نوین سیاسی در کشور است. فراخوان موسوی مبنی بر تجمع در مساجد و تکایا و نیز اقدام همزمان مبنی بر تعطیلی دانشگاه ها و بیرون راندن دانشجویان از خوابگاه ها نشان می دهد که قرار است کانون های مدرن، مبارزه آگاه و آرمان گرای جامعه در توافقی آشکار از فرآیند تحولات جامعه حذف شوند و کانون های ارتجاعی، واپس گرا، ضدآگاهی و وابسته ترویج و تکثیر شوند. اما دانشجویان در مقابل این تصمیم گیری مقاومت می کنند به نحوی که به صورت پیاپی مسئولین دانشگاهی آنها را به اخراج اجباری از خوابگاه ها تهدید می کنند.

ایران در حمام خون

کارگران ایران خودرو در اعتصاب

موسوی در تجمع صدها هزار نفره دیروز

جمعیت عظیمی عصر امروز با حضور در میدان امام خمینی (توپخانه) تهران یاد کشته شدگان تظاهرات روز دوشنبه را گرمی داشتند. به گزارش کلمه، از سایت های حامی موسوی، وی در این مراسم در سخنانی کوتاه اعلام کرد: « ما فقط رای خودمان را میخواهیم... ما برای اغتشاش نیامده ایم... ما برای احقاق حقمان آمده ایم... ما برای پاسداشت خون شهدا آمده ایم... ما برای پاسداشت نظام، هرگونه فداکاری انجام خواهیم داد.» بر اساس این گزارش موسوی نیز مانند هوادارانش لباس تیره بر تن کرده بود و از روی یک ماشین سخنرانی کرد. این دومین بار بود که پس از شروع اعتراضات مردمی موسوی در میان مردم حاضر می شد و سخنرانی کوتاهی ایراد می کرد. موسوی می گوید ما فقط رای خودمان را می خواهیم. از بد حادثه اما همین نظامی که او برای پاسداشت آن حاضر به همه گونه فداکاری است رای مردم را بی ارزش می داند. آیا مردم فقط رای های دزدیده شده را می خواهند؟ می دانیم که همین تجمعات و راهپیمایی هایی که انجام می شود در همین نظام غیرقانونی است و مردم هیچ راهی ندارند مگر اینکه غیر قانونی تجمع اعتراضی خود را به عملکرد نظام نشان دهند. می دانیم که رسانه های آزادی وجود ندارد و می دانیم که نهادهای غیر مردمی حق و امکان تقلب و دستکاری در آراء را دارند. آیا مردم فقط رای خودشان را می خواهند؟ آیا قرار نیست عوامل کودتا و کشتار محاکمه شوند؟ موسوی شاید فقط رأیش را می خواهد اما آیا مردم خون می دهند تا همین سیستم کودتا پرور دست نخورده باقی بماند.



رسانه ها و خیابان ها

در شرایطی بسر می بریم که برگی خونین از تاریخ معاصر ایران در حال ورق خوردن است. در روزها و شبهای گذشته تهران و بسیاری از شهرهای ایران خواب و آرام نداشتند و شعله های آتش خشم مردم، زندگی عادی و روزمره را دستخوش تغییرات بزرگی کرد. مردم در خیابانها هستند و در حال تعقیب و گریز با سرکوبگران، جوانان شورش گرند، افراد مسن به حافظه خود فشار می آورند تا از لابلای حوادث انقلاب ۵۷ درسهایی را بازآموزی کرده و به جوانان انتقال دهند. بعد از ۳۰ سال دوباره در خانه های مردم بروی جوانان مبارز باز گذاشته شده و از قول انسانهای زیادی در این روزها می شنویم که چقدر مردم خوبند و تغییرپذیر. در روزهایی که گذشت شاهد حوادث، شعارها و مردم متفاوتی بودیم. در دوره تبلیغات تا روز رای گیری؛ جمعیت کثیری از مردم با موج سبزی که براه افتاده بود روان بودند و لذتی ناخودآگاه بر اینها حاکم بود. اما از فردای اعلام نتایج اوضاع تغییر کرد و مردم عصبانی شدند و بدنبال این بودند که جهت موج را دنبال کنند به امید اینکه آنها را به ورای سدهای سرکوب و دروغ و جهل پرتاب کند. در شبها و روزهای اخیر اما باز این ورق برگشت. مثل آذر ۳۲ و تیر ۷۸ و حتی بقول بسیاری از حاضرین در تظاهراتها اوضاع مثل سالهای انقلاب و سال ۶۰ است!!! آری ما چهره سرکوب را داریم برهنه می بینیم. ما موج سبز اصلاح طلبی را با همه وسعتش می بینیم که دارد ما را به منزلگاهی مشترک با نظام موجود می برد. کشتار ما و دعوت به سکوت و آرامش مان شرایط را حادثر کرده است. اکنون ما سئوالهای بیشتری داریم. نه فقط سئوال که جمعبندهایی داریم. ما صدای دیگری می خواهیم. ما نمی خواهیم دوباره و چندباره قربانی ساخت و پاخت هایی شویم که هیچ ربطی به منافع ما ندارند. ما نمی خواهیم به مسلخی برویم که جامعه را ۳۰ سال عقب ببرد. ما نمی خواهیم دوباره فریب سال ۵۷ را بخوریم. ما رسانه نداریم ولی دنیا آنقدر کوچک شده که بینیم و بخوانیم که در خیابان چیز دیگری می گذرد و در رسانه های دنیا چیز دیگر. ما نمی خواهیم نسل بعد از ما از حقیقتی که در خیابانها تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، اهواز، کرمانشاه و سایر شهرهای بزرگ و کوچک ما گذشت بی اطلاع بماند. ما صدای دیگری را در این بازی قدرت نمایندگی خواهیم کرد. صدای فریاد مردمی که در خیابانها حاضرند. مردمی که توهم ندارند به رنگها و خواهان تغییرند. روزنامه خیابان



بازداشت صدها تن در مشهد

خبرگزاری هرانا: طی نا آرامیهای چند روزه اخیر در شهر مشهد که اکثرا در غرب این شهر رخ داد گروه های دولتی از قبیل پاسداران نیروی انتظامی، نیروهای انتظامی، یگان ویژه، نوبو، نیروهای امنیتی وشبه نظامی با استفاده از باتوم، گازهای اشک آور، شوکرو به مقابله با شهروندان معترض پرداختند.

نیروهای مذکور در برخورد های فیزیکی خود هیچگونه ملاحظه ای حتی در قبال کودکان و زنان نداشته اند. این درگیریها خسارات و بازداشت های زیادی را در پی داشت بطوریکه از وضعیت بسیاری از شهروندان و زخمی های حاصل خشونت نیروهای نظامی هیچ خبری در دست نیست ، برآوردها حاکی از آن است تنها در یکی از شبها در هفته جاری حدود ۳۰۰ شهروند معترض در این شهر بازداشت شده اند.

بسیاری از شهروندان در طی شبهای گذشته بسیاری از بازداشتیهای مورد اشاره به شرق مشهد فرستاده میشوند تا در مکانی به نام دایره مبارزه با مفاسد اجتماعی بازجویی شوند، بسیاری از این شهروندان پس از بازجویی و تشکیل اجامالی پرونده پس از چند ساعت بازداشت آزاد میشوند وتعدادی که از اسامی آنها اطلاعی در دست نیست همچنان در آن مکان نگه داری میشوند.

بازداشت صدها تن در اصفهان

پنابه گزارشات رسیده از بند الف -ط زندان اصفهان ، در حدود ۳۰۰ نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر مردم اصفهان به سلولهای انفرادی این بند منتقل شده اند. اعتراضات گسترده روزهای اخیر که تا به حال منجر به جان باختن تعدادی از جوانان و مردم شهر اصفهان شده است و همچنین باعث مجروح شدن تعداد زیادی از جوانان معترض شده است. اکثر زخمی شدگان علیرغم داشتن زخمی های شدید از مراجعه به بیمارستانها بخاطر ترس از دستگیری خوداری می کنند و کسانی که در وضعیت وخیم هستند و به بیمارستان منتقل می شوند هویت آنها توسط مامورین وزارت اطلاعات و حراست بیمارستانها ثبت می شود و تحت مراقبتهای شدید مامورین وزارت اطلاعات قرار می گیرند. دستگیر شدگان اعتراضات اخیر به بازداشتگاههای آگاهی اصفهان، کلاترپها، خانه های



امن وزارت اطلاعات و سلولهای انفرادی بند الف-ط که در دست بازجویان وزارت اطلاعات اصفهان می باشد منتقل شده اند. دستگیر شدگان تحت شکنجه های شدید جسمی قرار دارند. در حال حاضر در بند الف- ط در حدود ۳۰۰ نفر از دستگیر شدگان زندانی هستند.

اخباری از دانشگاه شهید بهشتی

خبرگزاری هرانا: در پی حوادث اخیر در دانشگاههای ایران، از وضعیت بسیاری از دانشجویان دانشگاه بهشتی اطلاعی در دست نیست. بر اساس اخبار در یافتی از دانشگاه بهشتی. چند تن از دانشجویان فعال این دانشگاه را پس از حضور در جلسه امتحان، مامورین ناشناس به نقاط نا معلومی انتقال دادهاند و تا کنون نیز، هیچ خبری از بازگشت مجدد آنها به دانشگاه و یا خوابگاه به دست نیامده است.

روز چهارشنبه همچنین دو نفر از اساتید گروه اقتصاد دانشگاه بهشتی بازداشت شدند. متاسفانه به دلیل محدود کردن ارتباطات و عدم دسترسی مستقیم به بسیاری از دانشجویان دانشگاه، نام هیچ یک از آن ها هنوز مشخص نشده است.

ایران: انقلاب آغاز شده است!

آنر وودز



وقایعی چشمگیر در ایران در حال اتفاق است. روز دوشنبه صدها هزار نفر در سکوت در مرکز تهران تظاهرات کردند تا به نتایج مورد اختلاف انتخابات ریاست جمهوری اعتراض کنند. این نمایشی فوق العاده از مقاومت و بزرگترین تظاهرات ضد دولتی در ایران از زمان انقلاب ۱۹۷۹ بود.

حامیان نامزد ریاست جمهوری شکست خورده ی ایران، میرحسین موسوی، به خیابان های تهران و سایر شهرها ریخته اند تا به نتایج انتخابات سختی که در آن محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور افراطی، به قدرت آورده شد اعتراض کنند.

تظاهرات چند ساعت پس از این آغاز شد که ولی فقیه ایران، آیت الله علی خامنه ای، فراخوان به تحقیق در ادعاهای پوزیسین داد که می گوید انتخابات به نفع رئیس جمهور محمود احمدی نژاد جعل شده است. جنبش توده ای رهبری را شوک زده کرده و تناقضات درونی رژیم را افزایش داده است. تلویزیون دولتی گزارش داده است که ولی فقیه آیت الله علی خامنه ای، که از نتایج انتخابات دفاع کرده است، به شورای نگهبان ۱۲ نفره دستور داده که «با دقت اعتراضات را بررسی کنند». این نمایشی واضح از بحران رژیم است.

فراخوان آیت الله (که هر ۱۵ دقیقه یکبار در تمام روز از رادیوی دولتی ایران پخش می شود) اولین نشانه بود که رهبری بالای ایران به فکر تجدید موضعش در مورد انتخابات است. آقای خامنه ای روز شنبه اعلام کرد که نتایج انتخابات که خبر از پیروزی چشمگیر آقای احمدی نژاد می دهد عادلانه هستند اما او روز یکشنبه با میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق و سیاستمدار معتدلی که نامزد اصلی مخالفین بود، دیدار کرد تا به نگرانی هایش گوش کند.

سختگویی شورا، که تایید رسمی اش برای رسمیت نتایج انتخابات ضروری است، گفته روز سه شنبه با آقای موسوی دیدار می کند. انتظار می رود آن ها تا هفته ای آینده در این مورد تصمیم بگیرند. اما خیزش انقلابی به جایی رسیده که حتی اگر تصمیم بگیرند نتایج را باطل اعلام کنند و انتخابات جدید فرا بخوانند، روشن نیست که این برای توقف جنبش کافی باشد.

تلاش رژیم برای سرکوب

با فرا رسیدن شب، تلویزیون دولتی ایران گزارش داد که به معترضین شلیک شده است و آسوشیتد پرس گزارش داد که تیراندازی ظاهرا از سوی گروهی از تظاهر کنندگان آمده که با بنزین سعی به آتش زدن مقر شبه نظامیان داوطلب داشته اند که متصل به سپاه پاسداران قدرتمند هستند. مرگ حداقل یک نفر گزارش شده است.

تایید مستقل این گزارش ها غیرممکن بوده است. این گزارش ها پس از روزی اتفاق می افتد که در آن نیروهای امنیتی دولت در گوشه خیابان ایستادند و به تظاهر کنندگان اجازه ی عبور دادند.

تظاهرات خاموش اختلافی روشن با آشوب چند روز گذشته داشت که در آن پلیس ضد شورش گاز اشک آور می زد و با باتوم سعی در پراکنده ساختن گروه گروه جوانان خشمگین و هراسان داشت. در اصفهان، در جنوب پایتخت، روز دوشنبه خشونت بیشتری در گرفت و پلیس با باتوم و گاز اشک آور به چند هزار معترض مخالف حمله کرد و شورشیان بخش هایی از شهر را آتش زدند.

آن سوی پایتخت، تظاهرات طبق گزارش ها به حداقل هفت شهرستان کشیده شده است. اعتراضات جدی ترین مخالفت با جمهوری اسلامی پس از سال ها بوده است. وسعت جنبش توده ای بی سابقه است. این خیزشی ناگهانی از تمام خشم و غضب انباشته شده ای است که در ۳۰ سال گذشته انباشته شده است.

مقامات ایران طبق گزارش ها جلوی مخالفین رئیس جمهور احمدی نژاد را برای فرستادن ایمیل و دسترسی به بعضی وبسایت ها گرفته اند اما فعلا تویتر وسیله ی اعتراض است. معترضین ظاهرا از تویتر برای رساندن صدای اعتراضشان به نتایج رسمی انتخابات هفته ی گذشته استفاده می کنند که احمدی نژاد را بر رقیبش میرحسین موسوی پیروز اعلام کرد.

رژیم سعی دارد با استفاده از سرکوب جنبش توده ای را متوقف کند. به گزارش رویترز «شبه نظامیان افراطی اسلامی، سیخ، روز دوشنبه حداقل یک نفر را کشتند و تعداد بیشتری را زخمی کردند. این اتفاق پس از این صورت گرفت که تظاهر کنندگان به ساختمان آن ها حمله کردند تا به انتخاباتی اعتراض کنند که می گویند توسط رئیس جمهور محمود احمدی نژاد به یغما رفته است.»

هر جا که پلیس ضد شورش حمله می کند و باتوم تکان می دهد و سپر جلو می آورد، مردم در خیابان ها فرار می کنند. لیزنی هیلسام، گزارشگر تلویزیون کانال فور (انگلستان -م) می گوید: «جوخه های ضد شورش سیاه پوش گروه گروه سوار بر موتورسیکلت روی پیاده روها حرکت می کنند و عابری را کتک می زنند. لازم نیست جز معترضین باشی تا کتک بخوری.»

او ادامه می دهد: «یکشنبه صبح ما با جمعیت دویدم و زیر پله ها قایم شدیم. مردی جوان ما را به دفترش دعوت کرد. او هم مثل بسیاری ایرانی ها که در چند روز گذشته دیده ام جانش از نظم کهن به سر آمده و به میرحسین موسوی، نامزد آلترناتیو، رای داده است. اما او از جوانان که در خیابان که به پلیس سنگ می انداختند نبود چرا که امیدی نداشت که تغییری حاصل شود.

او می گفت: «رهبری نداریم. آقای موسوی رهبر ما نخواهد شد چون کسانی که کشور را کنترل می کنند از او قدرتمند ترند. همه چیز در دست ولی فقیه است». اما دیگر چنین نیست. اوضاع نه در دست ولی فقیه است و نه در دست موسوی. قدرت از دستان لرزان رهبران می لغزد و به خیابان ها می ریزد.

رهبران اصلاح طلبان که تا همین اواخر بخشی از حکومت بودند بدون شک از نیروهایی که آزاد شده است هراسانند. موسوی مجبور شده خود را در صدر جنبش قرار دهد تا آن را به مجراهای امن بکشانند. اما وقایع حتی در کنترل او هم نیست. در واقع این اوست که در کنترل وقایع است.

در خیابان ها حال و هوا عوض شده. گزارش ها حاکی از افزایش اعتماد به نفس و رزمندگی معترضین است. بعضی گزارش ها می گوید که تظاهر کنندگان به دفاتر سپاه پاسداران منفور حمله برده اند. این اتفاقی فوق العاده و بی سابقه است. این نشان می دهد که وقتی مردم بایستند و «نه» بگویند هیچ نیرویی روی کره ی زمین نمی تواند آن ها را متوقف کند. جنبش اکنون به طبقه ی کارگر می کشد. گزارش هایی هست که تظاهرات توده ای دیگری و اعتصابی سراسری برای فردا برنامه ریزی شده است. اعتصاب از اوایل دیروز در جریان بوده است اما اکنون خبر از تظاهرات مهم دیگری برای فردا می رسد. «به گفته ی منابع فردا ساعت ۵ بعد از ظهر در میدان ولی عصر تظاهرات خواهد شد و اعتصابی سراسری توسط تمام حامیان موسوی صورت می گیرد.»

اوضاع در حال تغییر است. نه هر روز که هر ساعت. کودتای احمدی نژاد مثل صخره های سنگین که به دریاچه ای راکد افتاده است جامعه ی ایران را تا اعماق آن تکان داده است. هیچ کس نمی تواند بگوید وقایع به کجا ختم می شود. اما یک چیز قطعی است. ایران هرگز به گذشته باز نمی گردد. توده ها آغاز به حرکت کرده اند و جنبش به این آسانی متوقف نمی شود. ما حق داریم که با اطمینان بگوییم: انقلاب ایران آغاز شده است.

ترجمه ی بابک کسرابی

پرسنل بیمارستان در همبستگی با قیام کنندگان در برابر کودتا

گزارش تصویری زیر مربوط است به اعتصاب کارکنان بیمارستان رسول اکرم. بیمارستانی مملو از کشته و زخمی که به منظور احراز هویت کشته ها و زخمی ها و ربودن آنها از بیمارستان مورد یورش نیروهای کودتاچی قرار گرفت.



خوابگاهها و برادرهایمان

خیابانها تا امن است نه فقط برای ما، بلکه بیشتر برای آنها. و از این روی دعوت شده ایم به مساجد و تکایا و امروز به نماز جمعه به امامت (به روایتی) آیت الله خامنه ای یا (به روایتی دیگر) آیت الله امامی کاشانی و قرار است عرق خونی مان را در این مکانها پاک کنیم . پس از ویرانی خانه هامان و تشییع جنازه ی برادران و خواهرانمان، اتراق کنیم و آرام گیریم در زیر عبایی که بسیج و سپاه و پلیس ضد شورش در آستین دارد. و این موسوی و هیئت مربوطه است که دعوتمان می کند به این بازار مکاره

می خواهند به هرز ببرند و لوس کنند این جنبش اعتراضی را. به تکیه دعوتمان می کنند، چرا که می ترسند از خیابان

ولی چه غافلند، که تکیه ی ما به خیابان است